



# مارگارت فون تروتا زنی برای تمام فصول

سینما نوستالژیا ...

بخش هنر مجله کلمه بنا دارد از این شماره به بعد مباحث مهم سینما و تاریخ سینما را معرفی کند. سینما نوستالژیا عنوان یکی از مباحثات و نوستالژیا NOSTALGIA به هم گذشته، یاد، و دروغ و حسرتخواری در زبان فارسی معنا شده است. و فرض از این نوع هنری، سینما یا هنری است که جانمایه اصلی آن را این مقوله فراگرفته است.

معدودی از زنان فیلمساز نوانسته‌اند به اوج شهرت برسند و بدون تردید یکی از آنها مارگارت فون تروتا است. فیلمسازی که شیوه و سبکی نو در بازنمایی زوایای پنهان زندگی زنان ارائه داده است. ویژگی مهم آثار فون تروتا، تأکید او بر زنان و روابطی است که میان آنها برقرار می‌شود. برای نمونه فون تروتا موضوع اصلی دو فیلم خود را به یکی از پیچیده‌ترین و قویترین رابطه‌ها که میان دو خواهر برقرار است اختصاص داده است. این دو فیلم عبارتند از: ماریان و ژولیان و خواهران (توازن خوشبختی). فون تروتا چه به موضوعات سراسر سیاسی بپردازد مانند فیلم دومین بیداری کریستینا گلاگه که بر اساس یک داستان واقعی پیرامون زنی که بخاطر تأمین هزینه یک مهد کودک بانک را می‌زند و چه مانند فیلم ماریان و ژولیان به تجارب واقعی زنان بپردازد و چه مانند فیلم خواهران به زندگی عادی و روزمره زنان توجه کند در هر حال می‌خواهد بگوید که روابط میان زنان رابطه‌ای سیاسی است. با توجه به این روابط او به این نتیجه می‌رسد که نظام‌های سیاسی و اجتماعی با این روابط را بین زنان حفظ و یا معلق می‌کنند. او این مسأله را با تحلیل روانشناختی شخصیت‌های زن در آثارش نشان می‌دهد. اگرچه ماهیت فیلمهای فون تروتا سیاسی و نقد ساختار موجود آن می‌باشد اما جانمایه آثارش کاملاً قراردادی است.

فیلمهای فون تروتا بوسیله کمپانی بیوسکوپ تهیه می‌شد که با همکاری همسرش و همچنین واپس‌توان هوف که هر دو فیلمسازان موفق بودند آغاز بکار کرد فون تروتا زمانی به این کمپانی پیوست که ساخت فیلمهای خود را آغاز کرد. او از سیستم موجود فیلمسازان مستقل آلمانی آغاز نکرد بلکه کار را با بازیگری برای فولکر اشلتندروف (همسرش) و سپس به عنوان ستارست آغاز کرد و نهایتاً به عنوان کارگردان و شریک در کمپانی بیوسکوپ کار را ادامه داد. فون تروتا از سوی بعضی فمینیستها (FEMINISTS) به جهت کار بسیار نزدیک بر



روی سیستم و خلق شخصیتها و ساختارهایی که بسیار قراردادی هستند مورد نقد قرار گرفته است.

اغلب مستقدان زیباییشناسی فمینیستی را جانمایه انتخابی او یافته‌اند. اگرچه فون تروتا شخصیت‌های زن قراردادی را مطرح می‌کند اما آنها را به شیوه معمول و در قالب کلیشه و سکس نشان نمی‌دهد، بلکه اجازه می‌دهد که شخصیت‌های زن آثارش از طریق اشاره‌ها، نمادها، اختلافاها، و نگاهها خود را نشان دهند. اهمیت بیشتر به طرح‌های روانشناختی و نیمه هوشیارانه شخصیتها، داده می‌شود و اینکار با توجه مستمر فون تروتا به رؤیاهای، تصورات، فلاش بک‌ها و اشتغالات فردی صورت می‌گیرد. بدین ترتیب آثار فون تروتا ملهم از فیلمهای برسون و برگمن است. فیلمسازی که فیلم را وسیله‌ای برای به تصویر کشیدن مسایل عمیق روانشناختی قرار می‌دادند. رفتار نیمه هوشیارانه و ناآگاهانه شخصیتها در آثار فون تروتا بسیار مهم است. بدین جهت او زیادی با بازیگران زن و مرد تمرین می‌کند تا مطمئن شود که آنها واقعاً احساسات و علائق شخصیت‌هایی را که می‌خواهند به تصویر بکشند فهمیده‌اند یا نه؟ این جنبه او را از همسرش جدا می‌کند. در طی کارگردانی مشترک آنها بر روی فیلم «آبروی برادرزاده کاترینا بلوم» روشن شد که شیوه همسرش اشلندروف بر عناصر و نمادهای مهیج متمرکز است و با روش فون تروتا که متعابیل به بهره‌برداری از انگیزشهای شخصیتی است، متفاوت است. بر فیلمهای فون تروتا به جهت توجه زیاده از حد بر مسایل روانشناختی که آنها را شخص و غیرقابل دسترس می‌کند حربه گرفته‌اند.

فون تروتا چه در داخل و چه در خارج از آلمان در پیشبرد نهفت فمینیستی تأثیر زیادی گذاشته است. فیلمهایش نه تنها در آلمان بلکه در جشنواره‌های بین‌المللی نیز جایزه برده و مخاطبین زیادی را به خود متوجه کرده است. اگرچه او بر اساس ساختارهای مقبول فیلمسازان معمولی کار می‌کند اما پیام و هدف او کاملاً متفاوت است. شخصیت اصلی آثارش زنان هستند و این فیلمها آنها را جدی و بدست‌گذار معرفی می‌کند. این جنبه پیش‌تر کم‌ارزش و با اساساً فراموش شده بود. نمایش زنان در فیلمهایش گسترش و رواج تصویرهای زنان را بر روی پرده و پیشرفت صنعت فیلم را سبب شده است.

انتخاب فون تروتا در مورد شخصیت‌های قراردادی روشن می‌کند که تغییر در هر جایی می‌تواند اتفاق بیفتد و بازسازی و عروضا زندگی شخصیتها آسان نیست. یکی از فیلمهای مهم فون تروتا که بازنای عینی این نظریه است فیلم رزا لوکزامبورگ است. رزا لوکزامبورگ شخصیت انقلابی آلمانی در سال ۱۹۱۲ حزب اسپارتاکیسم را به همراهی کارل لیبکنخت تأسیس کرد که در ژانویه ۱۹۱۹ متحل شد، رزا همچون سایر اعضای حزب ایمان راسخی به معادلات بین‌المللی داشت اما سال ۱۹۱۲ سال فاجعه‌آمیزی برای آنان بود زیرا آن سال موسم شکست حزب سوسیال دمکرات در سراسر اروپا بود چراکه ایمان صلح طلبی سوسیال دمکرات فدای میهن پرستی متعصبانه و کور جنگ جهانی اول شد.

روش فون تروتا از زندگی‌نامه نویسان و مورخین جداست، زیرا او در فیلم رزا لوکزامبورگ نمی‌خواهد چهره یک زن یهودی لهستانی را که

دهبر جنبش سوسیالیسم بین‌الملل و بنیانگذار حزب کمونیست آلمان گردید نمایش دهد (رزا لوکزامبورگ در سال ۱۹۱۹ توسط پارتیزانهای جناح راست کشته شد) فیلم پیش از هر چیز می‌خواهد به سیر تحولات زنان در تاریخ آلمان بپردازد و بدین ترتیب به رادیکالیسم معاصر آلمان (در دوران حاضر) اشاره کند.

فون تروتا برای ساخت رزا لوکزامبورگ قریب دو دهه مطالعه کرد، او هرکدام از ۲۵۰۰ نامه رزا را حداقل پنج بار خواند. فیلمنامه‌های متعددی نوشت و آنها را به کناری نهاد تا بتواند انگیزه‌های شخصی رزا را در فیلم نشان دهد. فون تروتا در این مورد می‌گوید: ساختن فیلمی که لازمه آن تحلیلی تاریخی و عدم تحریف حقایق باشد کار بسیار مشکلی است چون در آن صورت چنین فیلمی به صورت اثری حماسی در می‌آید که من هرگز به سمت چنین سینمایی گام بر نمی‌دارم. چون به نظر من سطمی جلوه می‌کند. زندگی شخصی رزا بیشتر از نقشی که او در جامعه داشت مورد علاقه‌ام بود تا بتوانم چهره واقعی رزا را بدور از تحریفات تاریخی نشان دهم. فون تروتا در مورد علت ساخت فیلم می‌گوید: سالهای زیادی می‌خواستم فیلمی درباره رزا بسازم اما همواره فکری کردم باید آنچنان به پختگی و کمال روحی و فکری برسم تا بتوانم این ایده را به سرانجام برسانم اولین بارقه این فکر در ۱۹۶۸ به ذهنم خطور کرد. در آن سال در نظاهارات دانشجویی که پوستر شخصیت‌های انقلابی و مهم جهان از قبیل هوشی مینه، مائوتسه دونگ، مارکس، و غیره حمل می‌شد پوستر رزا هم در کنار پوستر شخصیت‌های فوق‌تر داشت چهره زیبا و چشمان غمگینش را دیدم بشدت مجذوبش شدم. نامه‌هایش را خواندم و با نظریات شخصی و سیاسی‌اش آشنا شدم او در تمام مسایل دارای کنجکاوی متفکرانه‌ای بود، و آنچه من می‌خواستم نشان دهم تجلی این دریای وسیع استعدادها بالفطره در کنار سیاست بود. چون زن بودم ساختن چنین فیلمی را سخت و غیرممکن می‌دانستم، اما سرانجام بر ناامیدی خود فائق آمدم بدون تردید من نقطه‌نظری فمینیستی دارم و آن را به تمام آثارم بسط می‌دهم. من می‌خواهم نشان دهم برای زن حد و مرزی وجود ندارد.

بازیگر نقش رزا یعنی باربارا سوکووا قبلاً در فیلم دیگری از فون تروتا پنام ماریان و زولیان بازی کرد. سوکووا در آن فیلم در نقش ماریان ظاهر شد. زنی با گرایشهای مسلحانه و آناشینی و فاقد ایدئولوژی و هدفه. اما رزا زن دیگری بود که می‌خواست خود را بشناسد و جایگاهی برای تفسیرهای انقلابی خود بیابد. رزا در این فیلم حیوانات، گلها، حشرات، و زنها و مردها را دوست دارد. صورت و باطراوت است و علائقش به طبقه کارگر آلمان نمایان است.

مسأله اصلی و مهم در فیلمهای فون تروتا و سوزیه فیلم رزا لوکزامبورگ این است که چگونه پروتاریا و گروه‌های سیاسی که مدعی صلح بودند خود از مسیبن ملت‌ناریسم و ناسیونالیسم شدند، که سرانجام منجر به آغاز جنگ جهانی اول در ۱۹۱۲ شد. فون تروتا شاید بدین ترتیب می‌خواهد پلی بین آن سالها و عصر حاضر بزند. این مقایسه درک حوادث گذشته را آسانتر کرده و به فهم و درک تاریخ کمک می‌کند.